



DOI: <https://doi.org/10.22034/isqs.2026.53146.2445>

Print ISSN: X2588-414

Online ISSN: X2783-5081

Pages: 123-147

Received: 14.10.2025

Accepted: 16.1.2026

Original Research

Discovering the structure and purpose of Surah Fajr (Based on the khomehgar' pattern)

Sajedeh nabizadeh ¹

PhD in Quranic studies and Hadith, Faculty of
Theology, Alzahra University, Tehran, Iran.

Soheila jalali kondori ² *

Associate Professor, Department of Quranic studies
and Hadith, Faculty of Theology, Alzahra
University, Tehran, Iran. (Corresponding
Author)

Introduction

A structuralist view of the surahs of the Holy Quran seeks to discover how and why the components of the surah are related and their connection to the main axis of the surah. The prerequisite for this process is to discover the main purpose of the surah. Paying attention to the structure and order of verses and surahs greatly helps commentators in interpreting the Quran correctly. Because considering each surah, as well as the collection of surahs of the Quran, as a coherent whole, whose constituent parts are placed next to each other in continuity and order and under an overall axis and goal, provides the interpreter with the opportunity to be guided more quickly to the main purpose of the surah and its secondary purposes and not go astray.

¹ s.nabaei@alzahra.ac.ir.

² s.jalali@alzahra.ac.ir (Corresponding Author) *

Research background

Most of the research conducted by Iranian Muslim researchers in the field of structural analysis of the surahs of the Holy Quran is based on the Khamehgar' pattern, the introduction and analysis of which is beyond the scope of this research. Meanwhile, no research focusing on Surah Fajr in light of the Khamehgar' pattern was found. Finally, a research titled "Geometric Aesthetic Analysis of Surah Fajr and Its Role in Interpretation" was obtained. This research, published by Kamal Keshavarzi and other colleagues in 1402SH in the *Quranshenakht* Journal, The geometric aesthetics of Surah Fajr has been analyzed in the form of rereading the cohesion of the different parts of the text with each other and the internal cohesion, and in this regard, Surah Fajr has been divided into four units. Although some of the components used in this research are common to the khamehgar' pattern, and some of Khamegar's works have even been mentioned in the literature, we do not see the application of the khamehgar' pattern in this research. In this respect, the present research is unprecedented.

Research method

In this study, the khamehgar' pattern will be used to demonstrate the cohesion and structure of Surah Fajr. His pattern consists of three stages: 1- Contextualization, 2- Titles of the contexts of the surah and discovery of its purpose, 3- Combining the discourses and forming chapters and sections. He also uses defined components to discover the cohesion of the surahs of the Holy Quran, which will be explained to a large extent in the following, while applying the aforementioned pattern to Surah Fajr. Therefore, the method of this research is descriptive and analytical.

Result

The results of this research paper are as follows:

1. Considering the verbal and content factors, Surah Fajr consists of seven chapters, each of which has its own independent topic and context. The first chapter consists of verses 1-5, the second chapter consists of verses 6-10, the third chapter consists of verses 11-14, the fourth chapter consists of verses 15-16, the fifth chapter consists of verses 17-20, the sixth chapter consists of verses 21-26, and the seventh chapter consists of verses 27-30 of Surah Fajr. The aforementioned chapters are distinguished from each other by factors of verbal and content separation and discontinuity.
2. Despite the discontinuity and separation of the chapters, there are also commonalities among them, which together form sections. Surah Fajr consists of three sections, the first (first chapter) and the third (seventh chapter) are independent and distinct. Therefore, it does not include other chapters; however, the second section is a combination of the second, third, fourth, fifth, and sixth chapters, because all five chapters are in the capacity of describing rebellious and disobedient individuals and their fate.
3. From the sum of the titles of the chapters, the complete and final title of the surah was obtained, which seems to be the main purpose of the surah and can be emphasized and defended through the examination of other elements: "The call to reason in the

manifestations of God's creation and workmanship guides the wise and insightful person to the existence of the Creator, the Ruler, the Planner, and saves her from the torment of this world and the Hereafter, and includes her among the servants close to God, whose abode is eternal Paradise."

4. Therefore, Surah Fajr has a single purpose, and the sub-purposes revolve around that single purpose and play a significant role in its prominence. The name of the Surah, the virtue of its recitation, the frequently repeated words, the beginning and end of the Surah, and other elements also support the aforementioned purpose.

Keywords

The khomehgar' pattern, cohesion and coherence of the Quranic text, Surah Fajr, the single purpose.





DOI: <https://doi.org/10.22034/isqs.2026.53146.2445>

شاپای چاپی X2588-414
شاپای الکترونیکی X2783-5081
صفحات: ۱۲۳-۱۴۷

دریافت: ۱۴۰۴/۷/۲۲

پذیرش: ۱۴۰۴/۱۰/۲۶

مقاله پژوهشی

کشف ساختار و غرض سوره فجر (با تکیه بر الگوی خامه‌گر)

دانش‌آموخته مقطع دکتری گروه علوم قرآن و حدیث، دانشکده
الهیات، دانشگاه الزهراء (س)، تهران، ایران.

ساجده نبی‌زاده^۱

دانشیار گروه علوم قرآن و حدیث، دانشکده الهیات، دانشگاه الزهراء
(س)، تهران، ایران. (نویسنده مسئول)

سهیلا جلالی کندری^۲ *

چکیده

واکاوی انسجام و پیوستگی متن قرآن بر مبنای الگوهای ساختارشناسانه از رویکردهای نوین در مطالعات علوم قرآنی است، گرچه توجه به نظم و تناسب کلام الهی در مطالعات اسلامی به قرون اولیه ظهور اسلام بازمی‌گردد. قرآن پژوهان با هدف کشف چگونگی انسجام و پیوستگی متن قرآن و اثبات ساختارمندی آن در پاسخ به تردیدهایی که بار دیگر در قرن بیستم به نظم قرآن وارد شد و همچنین به منظور تفسیر عالمانه و صحیح‌تر قرآن،

¹ s.nabaei@alzahra.ac.ir

² s.jalali@alzahra.ac.ir (نویسنده مسئول) *

از الگوهای مختلفی استفاده کردند. یکی از این الگوها، الگوی طراحی شده توسط خامه‌گر است. خامه‌گر برای هر سوره غرض واحد در نظر می‌گیرد که سایر اغراض سوره، ذیل آن جایابی می‌شود. الگوی او شامل سه مرحله است: ۱- سیاق‌بندی ۲- عنوان‌گذاری سیاق‌های سوره و کشف غرض آن ۳- ترکیب گفتارها و تشکیل فصل و بخش. در پژوهش حاضر به منظور نمایش نظام مندی و انسجام سوره فجر، این سوره در پرتو الگوی یادشده، بررسی شد و حاصل آمد که سوره فجر از هفت گفتار و سه فصل تشکیل شده که همگی علی‌رغم تمایزات لفظی و محتوایی در جهت پیشبرد غرض واحد سوره با یکدیگر همکاری دارد: «هدایت به حیات سعادت‌مندانه و پیشگیری از شقاوت در پرتو اثبات توحید الهی از مسیر دعوت عقول به تدبیر در آفرینش».

کلیدواژه: الگوی خامه‌گر، انسجام و پیوستگی متن قرآن، سوره فجر، غرض واحد.

۱. مقدمه و بیان مسئله

نگاه ساختارشناسانه به سوره‌های قرآن کریم به دنبال کشف چگونگی و چرایی ارتباط میان اجزای سوره و پیوند آن با محور اصلی سوره است. لازمه این فرایند، کشف غرض اصلی سوره است. توجه به ساختارمندی و نظم آیات و سوره‌ها به مفسران در تفسیر صحیح قرآن کمک شایانی می‌کند؛ زیرا در نظر گرفتن هر سوره و همچنین مجموعه سوره‌های قرآن به عنوان یک کل منسجم که اجزای تشکیل‌دهنده آن با پیوستگی و نظم در کنار یکدیگر و تحت یک محور و هدف کلی قرار گرفته، این امکان را برای مفسر فراهم می‌کند که به هدف اصلی سوره و اهداف فرعی آن سریع‌تر رهنمون شود و به بی‌راهه نرود. گرچه توجه به نظم قرآن و تناسب آیات و سوره‌ها در مطالعات اسلامی، پیشینه‌ای دیرینه دارد و به قرون اولیه ظهور اسلام و تلاش برای اثبات اعجاز قرآن بازمی‌گردد، اثبات انسجام و پیوستگی سوره‌های قرآن و همچنین کشف غرض اصلی سوره بر مبنای الگوهای ساختارشناسانه از رویکردهای نوین در مطالعات علوم قرآنی است که عمر آن به اوایل قرن بیستم می‌رسد؛ از ابتدای قرن بیستم به منظور واکاوی و نمایش انسجام سوره‌های قرآن کریم که بار دیگر به اثبات اعجاز قرآن می‌انجامید و همچنین تفسیر صحیح‌تر آن را نتیجه می‌داد، الگوهای متعددی طراحی که در بیشتر موارد، به نام طراحان خود نام‌گذاری شد (برای اطلاعات بیشتر ر.ک: نبئی و دیگران: ۱۴۰۱). در این دوره

پژوهشگران فارسی‌زبان از الگوی خامه‌گر بیش از الگوهای دیگر استقبال کردند. محمد خامه‌گر^۱، قرآن‌پژوه مسلمان ایرانی از محققان حوزه ساختارشناسی قرآن کریم است. او در تألیفات خود مانند *ساختار هندسی سوره‌های قرآن کریم*^۲ که برای نخستین بار در سال ۱۳۸۲ ش منتشر شد و همچنین *تفسیر ساختاری قرآن کریم*^۳، به علم ساختارشناسی سوره‌ها توجه و نظریه جامع‌گرایی یا همان ساختار هندسی سوره‌های قرآن کریم را مطرح کرده است.^۴ خامه‌گر به وحدت موضوعی سوره‌های قرآن کریم معتقد است. این دیدگاه که در نگاه جامع‌گرایانه علامه طباطبائی به سوره‌های قرآن ریشه دارد (ر.ک: طباطبائی، بی‌تا: ۱۶/۱)، هر سوره را دارای یک غرض اصلی می‌داند که سایر اغراض حول محور آن می‌چرخد. ذیل هریک از محورها و مقاصد فرعی دسته‌ای از آیات که با یکدیگر تناسب دارد، قرار می‌گیرد (خامه‌گر، ۱۳۹۵ ش: ۳۱). او وحدت موضوعی و انسجام را علاوه بر سوره‌های کوتاه و متوسط قرآن کریم در سوره‌های بلندی همچون بقره مشهود می‌داند و معتقد است تنها اختلاف میان سوره‌های بزرگ و کوچک در تعداد محورهای فرعی آن است (همان، ۳۴-۳۵). خامه‌گر فراتر از اعتقاد به توقیفی بودن ترتیب آیات درون سوره‌ها به توقیفی بودن چینش سوره‌ها در مصحف شریف اعتقاد دارد و آن را به دلایل عقلی و نقلی مستند می‌کند (ر.ک: همو، ۱۳۹۷ ش: ۵۱-۵۲). او برای کشف انسجام سوره‌های قرآن کریم، روش و مؤلفه‌های تعریف‌شده‌ای را در پیش می‌گیرد که شرح تفصیلی آن از حوصله این نوشتار خارج است. البته در ادامه و در ضمن تطبیق الگوی یادشده بر سوره فجر تا حدود زیادی الگوی موردنظر تبیین خواهد شد؛ بنابراین هدف پژوهش حاضر اجرای الگوی خامه‌گر بر سوره مبارکه فجر است تا از خلال آن ساختارمندی و انسجام سوره موردنظر اثبات و به نمایش گذاشته شود.

۲. فرضیه‌های تحقیق

سوره فجر به‌عنوان بخشی از متن قرآن کریم دارای انسجام، نظم و ساختارمندی است.
نظام‌مندی و انسجام سوره فجر از خلال تطبیق الگوی خامه‌گر بر آن، قابل اثبات و نمایش است.

۱. او متولد سال ۱۳۴۳ در اهواز و عضو هیئت علمی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی - پژوهشکده اسلام تمدنی - گروه قرآن و علوم اجتماعی بود. او مبدع تفسیر ساختاری و تدوین ساختار سوره‌های قرآن است و در دی‌ماه سال ۱۴۰۳ دار فانی را وداع گفت.
۲. خامه‌گر، محمد. (۱۳۹۵ ش). *ساختار هندسی سوره‌های قرآن کریم*، تهران: سازمان تبلیغات اسلامی، شرکت چاپ و نشر بین‌الملل.
۳. همو. (۱۳۹۷ ش). *تفسیر ساختاری قرآن کریم*، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
۴. او الگوی خود را نخستین مرتبه در کتاب ساختار هندسی سوره‌های قرآن کریم مطرح و سپس آن را در کتاب تفسیر ساختاری قرآن کریم تکمیل و تصحیح کرد و آن را بر چهار سوره بینه، انسان، تکویر و انشراح تطبیق داد. از این حیث مبنای پژوهش حاضر اثر متأخر اوست.

۳. پیشینه پژوهش

اکثر پژوهش‌های انجام شده پژوهشگران مسلمان ایرانی در حوزه ساختارشناسی سوره‌های قرآن کریم، مبتنی بر الگوی خامه‌گر است که معرفی و تحلیل آن‌ها از رسالت این پژوهش خارج است. در این میان پژوهشی با محوریت سوره فجر در پرتو الگوی خامه‌گر یافت نشد. تنها یک پژوهش با عنوان «تحلیل زیباشناختی هندسی سوره فجر و نقش آن در تفسیر» به دست آمد. این پژوهش که توسط کمال کشاورزی و دیگر همکاران سال ۱۴۰۲ ش در مجله قرآن شناخت منتشر شده، زیبایی‌شناسی هندسی سوره فجر را در قالب بازخوانی انسجام بخش‌های مختلف متن با یکدیگر و انسجام درونی تحلیل و در این راستا سوره فجر را به واحدهای چهارگانه تقسیم کرده است. گرچه برخی از مؤلفه‌های به‌کار گرفته شده در این پژوهش با الگوی خامه‌گر مشترک است و حتی در پیشینه نیز به برخی آثار خامه‌گر اشاره شده، اساساً شاهد به‌کارگیری الگوی خامه‌گر در این پژوهش نیستیم (کشاورزی و دیگران، ۱۴۰۲ ش: ۲۳-۳۸). از این حیث پژوهش حاضر بی‌سابقه است.

۴. تطبیق الگوی خامه‌گر بر سوره فجر

روش‌شناسایی ساختار سوره فجر در پرتو الگوی خامه‌گر بدین شرح است:

۴-۱. مرحله اول: سیاق‌بندی آیات سوره

در مرحله نخست با توجه به عوامل لفظی و معنایی، سیاق‌های سوره شناسایی و دسته‌بندی می‌شود که به‌منظور تحقق این هدف، سه گام مهم باید طی شود؛ شناسایی میزان پیوستگی لفظی آیات هم‌جوار، شناسایی میزان پیوستگی معنایی آیات هم‌جوار و کشف سیاق‌های سوره (ر.ک: خامه‌گر، ۱۳۹۷ ش: ۱۱۲-۱۱۳). سوره فجر از هفت سیاق یا گفتار تشکیل شده است. میان آیات هر گفتار پیوستگی لفظی و معنایی وجود دارد. همچنین بر اساس شواهد لفظی و محتوایی میان گفتارهای هفتگانه این سوره گسست و انفصال وجود دارد که به شرح زیر مشاهده می‌شود.^۱

۴-۱-۱. سیاق اول: آیات ۱-۵

وَ الْفَجْرِ (۱) وَ لَيَالٍ عَشْرٍ (۲) وَ الشَّفْعِ وَ الْوَتْرِ (۳) وَ اللَّيْلِ إِذَا يَسْرِ (۴) هَلْ فِي ذَلِكَ قَسَمٌ لِّذِي حِجْرِ (۵)

۱. در الگوی خامه‌گر منظور از گسست و انفصال، قطع ارتباط ادبی آیات یک سیاق با آیات سیاق بعد است که آغازین نشانه پایان یک سیاق دلیل کاملی برای شکل‌گیری سیاق جدید محسوب می‌شود (ر.ک: خامه‌گر، ۱۳۹۷ ش: ۱۱۵-۱۱۶)؛ بنابراین کشف چگونگی گسست و انفصال یک سیاق از سیاق قبل و بعد به فرآیند سیاق‌بندی و تحدید سیاق‌ها از یکدیگر کمک می‌کند؛ نه اینکه به‌منزله عدم هماهنگی و مانعی برای رسیدن به غرض واحد باشد؛ زیرا همگی در عین انفصال، در مسیر کشف غرض اصلی سوره با یکدیگر همراه و ملازم‌اند.

چهار آیه اول این گفتار با حرف «واو» قسم آغاز می‌شود. بر اساس الگوی خامه‌گر عامل پیوستگی لفظی میان این آیات، تکرارهای اسلوبی است که مهم‌ترین و رایج‌ترین آن تکرار یک لفظ در آغاز آیات، تکرار یک عبارت در پایان آیات، تکرار یک کلمه در میانه آیات و غیره است (ر.ک: همان: ۱۱۲). پیوند دیگری که میان این دسته آیات وجود دارد، پیوند چهار آیه نخست؛ یعنی، همان قسم‌های چهارگانه با آیه پنجم است. گرچه جواب قسم در این موضع به منظور تأکید انذار کافران و تبشیر مؤمنان، محذوف و اشاره به آن از نوع کنایه است (طباطبایی، بی تا: ۲۸۰/۲۰)^۱، شاید بتوان از لحاظ نحوی و ساختاری آیه پنجم را در مقام جواب قسم به شمار آورد؛ زیرا آیه در قالب استفهام تقریری (ابن عاشور، بی تا: ۲۷۹/۳۰) تعریضی به صاحبان خرد است که در سوگند و آنچه بدان سوگند یاد شده تعقل و تدبّر می‌کنند؛ از این رو که پدیده‌های یادشده از شگفتی‌های آفرینش الهی و دلایل توحید اوست (طبرسی، ۱۳۷۲ ش: ۷۳۷/۱۰). همچنین کاربست واژه «قسم» در آیه پنجم، پیوند و ارتباط میان این آیه و آیات پیشین را تقویت می‌کند؛ بنابراین پیوستگی دیگر از نوع ساختارهای نحوی است که قسم و جواب قسم یکی از انواع آن است (ر.ک: خامه‌گر، ۱۳۹۷ ش: ۱۱۲). البته به گونه دیگری نیز می‌توان میان این دسته آیات ارتباط از نوع ساختار نحوی برقرار کرد؛ زیرا آیه پایانی متضمن اسم اشاره «ذلک» است که مشارالیه آن قسم‌های چهارگانه پیشین است. در الگوی خامه‌گر یکی از انواع ساختارهای نحوی که پیونددهنده میان آیات یک گفتار است، اسم اشاره و مشارالیه است (همان).

علاوه بر پیوستگی لفظی میان آیات هم‌جوار در یک گفتار، پیوستگی محتوایی و ارتباط مفهومی وجود دارد. ارتباط محتوایی میان آیات یک گفتار یا از نوع ارتباط طولی است یا از نوع ارتباط عرضی است. ارتباط طولی آنجایی است که عوامل پیوستگی ارکان یک ساختار معنایی را تشکیل داده و یک گفتار مستقل را پدید می‌آورد، مانند پرسش و پاسخ‌های آن، مقدمه و ذی‌المقدمه، دعا و استجاب، شبهه و پاسخ‌های آن، مدعا و شاهد آن و غیره؛ اما ارتباط عرضی زمانی شکل می‌گیرد که عوامل پیوستگی تنها در حدّ مرتبط کردن دو آیه هم‌جوار است، مثل تمثیل، تطبیق، تعلیل، تبیین، تفصیل، تقیید، تخصیص، تعمیم، تضاد و غیره (ر.ک: همان: ۱۱۲-۱۱۳). به نظر می‌رسد ارتباط محتوایی میان آیات گفتار یا همان سیاق اول سوره فجر از نوع ارتباط طولی باشد؛ زیرا همان‌گونه که پیش‌تر آمد آیه پایانی در مقام اشاره و تأکید قسم‌های پیشین است و توجه مخاطب را بدان جلب می‌کند؛ بنابراین یک گفتار واحد را تشکیل می‌دهد. همچنین ارزش پدیده‌هایی از طبیعت که به آن قسم یاد

۱. شایان ذکر است که برخی از مفسران جواب قسم را آیه ۱۴ (إِنَّ رَبَّكَ لَبِالْمُرْصَادِ) می‌دانند (طوسی، بی تا: ۳۴۱/۱۰؛ طبرسی، ۱۳۷۲ ش: ۷۳۵/۱۰؛ ابن عاشور، بی تا: ۲۸۰/۳۰).

شده، مثل سپیده دم یا شب‌های ده‌گانه که مفسران آن را شب‌های ماه مبارک ذی‌حجه از ابتدا تا دهم می‌دانند (طبرسی، ۱۳۷۲ ش: ۷۳۶/۱۰؛ طباطبایی، بی تا: ۲۷۹/۲۰)، روایتگر انسجام معنایی این مجموعه آیات است.

۴-۱-۲. سیاق دوم: آیات ۶-۱۰

أَلَمْ تَرَ كَيْفَ فَعَلَ رَبُّكَ بِعَادٍ (۶) إِرْمَ ذَاتِ الْعِمَادِ (۷) الَّتِي لَمْ يُخْلَقْ مِثْلُهَا فِي الْبِلَادِ (۸) وَ ثَمُودَ الَّذِينَ جَابُوا الصَّخْرَ بِالْوَادِ (۹) وَ فِرْعَوْنَ ذِي الْأَوْتَادِ (۱۰)

گفتار دوم با یک استفهام تقریری و خطاب به حضرت رسول (ص) آغاز می‌شود و در مقام تثبیت وعده نصر به ایشان و همچنین تعریضی به دشمنان حق است که آنچه از عذاب بر سر امت‌های پیشین آمد بر سر شما نیز خواهد آمد (ابن عاشور، بی تا: ۲۸۰/۳۰). پیوستگی لفظی سه آیه اول؛ یعنی، آیاتی که در مقام اشاره به قوم عاد و توصیف ایشان است، پیوستگی به وسیله ساختارهای نحوی از نوع صفت و موصوف است؛ زیرا پس از ذکر قوم عاد اوصافی از ایشان را ارائه می‌دهد. پس از آن سخن از قوم ثمود و فرعون به میان می‌آید که این دو آیه با «واو» عطف که از جمله عوامل پیوستگی لفظی است (ر.ک: خامه‌گر، ۱۳۹۷ ش: ۱۱۲) به یکدیگر و به آیات قبل متصل شده است.

نوع پیوستگی محتوایی این دسته آیات از نوع ارتباط عرضی است؛ زیرا دو قوم عاد، ثمود و نیز فرعون از حیث طغیان و سرکشی در مقابل حق و همچنین قدرت و شوکت در یک تراز و در عرض یکدیگر هستند و شاید بتوان از لحاظ ادبی آن را مصداقی از صنعت مراعات نظیر دانست که یکی از انواع ارتباط معنایی است (همان: ۱۱۳).

گفتار حاضر از گفتار پیشین هم از لحاظ ادبی و هم از لحاظ محتوایی گسسته است؛ زیرا آیات گفتار پیشین در قالب ادبی قسم بود؛ اما این آیات با استفهام آغاز می‌شود. شاید این گونه به ذهن برسد که آیه انتهایی گفتار پیشین نیز با استفهام آغاز شده است، پس می‌تواند با گفتار حاضر مرتبط و پیوسته باشد. در پاسخ باید گفت گرچه از لحاظ ادبی این دو آیه به یکدیگر نزدیک هستند، قالب استفهام، متفاوت است؛ آیه پایانی گفتار پیشین با حرف استفهام «هل» آغاز شده و حرف استفهام در این گفتار حرف «أ» است. همچنین از حیث محتوا نیز گسست این دو گفتار مشهود است؛ استفهام گفتار پیشین به منظور توجه دادن و تأکید قسم‌های به کار رفته است که شاید بتوان آن را نوعی حسن ختام برای گفتار قبل به شمار آورد؛ اما استفهام گفتار حاضر، مخاطب را به سرنوشت امت‌های پیشین که هنوز ذکری از ایشان به میان نیامده، توجه می‌دهد. در واقع می‌توان آن را نوعی حسن مطلع به حساب آورد؛ بنابراین گفتار اول و گفتار دوم از نظر محتوایی نیز انفصال نمایانی دارد.

۴-۱-۳. سیاق سوم: آیات ۱۱-۱۴

الَّذِينَ طَغَوْا فِي الْبِلَادِ (۱۱) فَأَكْثَرُوا فِيهَا الْفُسَادَ (۱۲) فَصَبَّ عَلَيْهِمْ رَبُّكَ سَوْطَ عَذَابٍ (۱۳) إِنَّ رَبَّكَ لَبَلِ الْمُرْصَادِ (۱۴)

گفتار سوم با اسم موصول «الَّذِينَ» آغاز می‌شود که در مقام اشاره به اقوام پیشین و طغیان و فساد ایشان است. در حقیقت این گفتار در مقام تعلیل عذاب امت‌های یادشده است و معنای آن این است که کسانی که پیش‌تر از ایشان یاد کردیم در ظلم و ستم از حدّ، تجاوز و در فساد از مقدار کم عبور کردند و خداوند عذابی همانند عذاب تازیانه بر آنان نازل کرد که با گوشت و خونشان امتزاج و اختلاط پیدا می‌کرد (طوسی، بی‌تا: ۳۴۳/۱۰). در ابتدای دو آیه از این گفتار «فاء» عاطفه به کار رفته (درویش، ۱۴۱۵ ق: ۴۷۰/۱۰) که از حروف ربط‌دهنده و از عوامل پیوستگی لفظی است (ر.ک: خامه‌گر، ۱۳۹۷ ش: ۱۱۲) و سه آیه اول را به یکدیگر پیوند می‌دهد. علاوه بر آن ترکیب اضافی «رَبُّكَ» دو مرتبه در این گفتار تکرار شده که آن نیز از عوامل پیوستگی لفظی از نوع تکرارهای اسلوبی است (همان). نکته دیگر آنکه هر دو تکرار برای قطعی نشان دادن عذاب ایشان توسط پروردگار و تأکیدی بر وقوع تهدید است که علاوه بر آن، حتمیت وقوع آن با ساختار فعل معلوم «صَبَّ» نیز مؤکد شده است.

این دسته آیات علاوه بر پیوستگی لفظی، از حیث محتوا نیز با یکدیگر پیوند دارد. سه آیه اول در مقام توصیف اقوام یادشده و عذاب آنان است و آیه آخر تعلیل سه آیه پیشین است. با این توضیح که عذاب طاغیان و افراط‌کنندگان در فساد به این علت است که خداوند مراقب و مترصد اعمال آنان است و این سستی جاری در میان همه امم است (طباطبایی، بی‌تا: ۲۸۱/۲۰)؛ بنابراین پیوند محتوایی این آیات از نوع ارتباط طولی است. گسستگی این گفتار از گفتار پیشین کاملاً مشهود است؛ گفتار پیشین با استفهام آغاز شد و گفتار حاضر با اسم موصول. گفتار پیشین به جنبه شوکت و قدرت اقوام یادشده اشاره دارد و گفتار حاضر به طغیان و فساد و البته عاقبت و عقوبت آنان که همانا سقوط و هلاکت است.

۴-۱-۴. سیاق چهارم: آیات ۱۵-۱۶

فَأَمَّا الْإِنْسَانُ إِذَا مَا ابْتَلَاهُ رَبُّهُ فَأَكْرَمَهُ وَ نَعَّمَهُ فَيَقُولُ رَبِّي أَكْرَمَنِ (۱۵) وَ أَمَّا إِذَا مَا ابْتَلَاهُ فَقَدَرَ عَلَيْهِ رِزْقَهُ فَيَقُولُ رَبِّي أَهَانَنِ (۱۶)

هر دو آیه از این گفتار با حرف «أما»ی شرط آغاز می‌شود (درویش، ۱۴۱۵ ق: ۴۷۵/۱۰) و ساختار نحوی نسبتاً مشابهی دارد؛ بنابراین پیوند لفظی عمیقی بین دو آیه وجود دارد که از نوع تکرارهای اسلوبی است.

به تبع پیوستگی لفظی، پیوند معنایی و محتوایی نیز مشهود است؛ زیرا مطرح‌کننده دو حالت متضاد و متقابل انسان است؛ زمانی که خداوند او را متنعم می‌سازد، آن را تکریمی از ناحیه خداوند به خود می‌داند، پس هر آنچه می‌خواهد انجام می‌دهد؛ اما آن هنگام که خداوند نعمتی را از او دریغ و روزی‌اش را بر او تنگ می‌کند، آن را اهانتی از سوی خدا می‌پندارد، پس کفر می‌ورزد و جزع می‌کند (طباطبایی، بی‌تا: ۲۸۲/۲۰). بر اساس الگوی خامه‌گر، تضاد و تقابل یکی از عوامل پیوستگی معنایی است که در حد مرتبط کردن دو آیه هم‌جوار کاربرد دارد (ر.ک: خامه‌گر، ۱۳۹۷ ش: ۱۱۳)؛ بنابراین ارتباط محتوایی میان این دو آیه از جنس ارتباط عرضی است.

انفصال آیات این گفتار از گفتار قبل زمانی است که «فاء» ابتدای گفتار، استینافیه باشد (درویش، ۱۴۱۵ ق: ۴۷۵/۱۰)؛ یعنی، سخن از نو آغاز شود، گرچه برخی از مفسران آن را «فاء» عاطفه (زمخسری، ۱۴۰۷ ق: ۷۴۹/۴) یا «فاء» تفریع می‌دانند (طباطبایی، بی‌تا: ۲۸۲/۲۰). علاوه بر آن، گسست محتوایی گفتار حاضر نیز از گفتار پیشین آشکار است؛ زیرا گفتار پیشین در مقام تعلیل عذاب اقوامی نام‌برده و مشخص بود و این گفتار با کاربست واژه «الانسان» از نوع انسان و طبع اولیه او سخن می‌گوید (همان)؛ نه افراد خاص. گرچه شاید این‌گونه به نظر برسد که تخصیص اقوام نام‌برده با عمومیت واژه «الانسان» پیوندی تنگاتنگ دارد و نوع ارتباط آن ذکر عام پس از خاص است، پیش‌تر اشاره شد که علی‌رغم اتصال و پیوستگی میان گفتارها، انفصال و گسستگی نیز قابل مشاهده است و شاید بتوان در این موضع عام را از خاص جدا و هر دو را یک گفتار مستقل احصا کرد.

۴-۱-۵. سیاق پنجم: آیات ۱۷-۲۰
كَلَّا بَلْ لَا تُكْرِمُونَ الْيَتِيمَ (۱۷) وَلَا تَحَاضُّونَ عَلٰی طَعَامِ الْمَسْكِينِ (۱۸) وَ تَأْكُلُونَ التَّرَاثَ أَكْلًا لَّمًّا (۱۹) وَ تُجْبُونَ أَمْوَالَ حُبًّا جَمًّا (۲۰)

گفتار پنجم با حرف «کلا» آغاز می‌شود که در مقام ردع و ابطال دو آیه پیشین است؛ زیرا نه عطای نعمت از سوی خدا به منزله تکریم انسان است، نه امساک آن نوعی اهانت و ذلت است؛ بلکه هر دو با هدف ابتلا و آزمون انسان است تا میزان عبودیتش مشخص شود. پس از آن «بل» اضرایه می‌آید تا ردع پیشین را با مثال‌هایی تأکید کند که بر اساس آن مثال‌ها بهره‌مندی انسان از نعمت‌های الهی دلایل دیگری دارد. یکی از این نمونه‌ها عدم اکرام یتیم با منع او از میراثش است؛ یعنی، اگر مالی به دست آوردید نه به دلیل تکریم الهی؛ بلکه به این دلیل است که حقوق مالی یتیم را ادا نکردید یا اینکه بر اطعام مستمندان تشویق نکردید که علت هر دوی آن

حبّ شدید مال است (طباطبایی، بی تا: ۲۸۳/۲۰). در هر چهار آیه از این گفتار فعل مضارع در صیغه جمع مذکر مخاطب تکرار شده که دو کاربست آن منفی (لَا تُکْرَمُونَ و لَا تُحَاضُونَ) و دو کاربست دیگر مثبت است (تَأْكُلُونَ و تَحْبُونَ) و این تکرار می تواند از عوامل پیوستگی لفظی بین دسته آیات گفتار حاضر باشد. همچنین در ابتدای سه آیه پایانی حرف «واو» عطف تکرار شده که از حروف ربط دهنده است و هر چهار آیه را به یکدیگر پیوند داده است.

در رابطه با پیوند محتوایی آیات نیز پیش تر سخن آمد که این آیات بهره مندی از نعمت های مالی را نه در اثر تکریم الهی؛ بلکه به واسطه ادا نکردن حقوق مالی دیگران معرفی می کند.

گرچه در الگوی خامه گر «کَلَّا» از جمله حروف ربط دهنده و یکی از عوامل پیوستگی لفظی آیات معرفی شده (ر.ک: خامه گر، ۱۳۹۷ ش: ۱۱۲)، به نظر نویسنده با توجه به رسالت این حرف؛ یعنی، ابطال آنچه پیش تر آمده، شاید بتوان آن را نشانگری صوری به نشان از آغاز سخن جدید دانست که در این صورت انفصال گفتار حاضر از گفتار پیشین را نشان می دهد.

۴-۱-۶. سیاق ششم: آیات ۲۱-۲۶

كَلَّا إِذَا دُكَّتِ الْأَرْضُ دَكًّا دَكًّا (۲۱) وَ جَاءَ رَبُّكَ وَالْمَلَكُ صَفًّا صَفًّا (۲۲) وَ جِيءَ يَوْمَئِذٍ بِجَهَنَّمَ يَوْمَئِذٍ يَتَذَكَّرُ الْإِنْسَانُ وَ أُنَى لَهُ الذِّكْرَى (۲۳) يَقُولُ يَا لَيْتَنِي قَدَّمْتُ لِحَيَاتِي (۲۴) فَيَوْمَئِذٍ لَا يُعَذِّبُ عَذَابُهُ أَحَدًا (۲۵) وَ لَا يُوثِقُ وَثَاقَهُ أَحَدًا (۲۶)

این گفتار نیز به مثابه گفتار پیشین با حرف «کَلَّا» آغاز می شود که در مقام منع و ردع از اعمال پیشین؛ یعنی، اکرام نکردن یتیم، عدم تشویق بر اطعام مسکین، خوردن مال غیر و حبّ شدید مال است (ابن عاشور، بی تا: ۲۹۶/۳۰). پس از آن کلام الهی با توصیف صحنه های آخرت و تهدید به عذاب آن پیش می رود. این دسته آیات به وسیله حرف عاطفه «واو» و «فاء» که هر دو از حروف ربط دهنده است، به یکدیگر پیوند و اتصال پیدا کرده است. همچنین عبارت «يَوْمَئِذٍ» که ناظر بر روز قیامت است، در این دسته آیات سه مرتبه تکرار شده است.

علاوه بر پیوستگی لفظی، از آنجا که همه آیات این گفتار در توصیف آخرت و صحنه های آن است، پیوستگی محتوایی آن نیز بارز است. مضاف بر اینکه توصیف صحنه های آخرت تنها به عذاب الهی اختصاص دارد و سخنی از پاداش و نعمت الهی در میان نیست. به این ترتیب ارتباط محتوایی میان آیات گفتار، طولی است^۱.

۱. در الگوی خامه گر، توصیف انواع پاداش یا کیفرهای یک گروه یک ساختار معنایی را تشکیل می شود و نوع ارتباط آیات آن از جنس ارتباط طولی است (ر.ک: خامه گر، ۱۳۹۷ ش: ۱۱۳).

گسستگی و انفصال این سیاق از سیاق پیشین به دلیل وقوع صنعت التفات است؛ زیرا صیغه افعال از مخاطب به غایب تغییر پیدا کرده است. التفات ضمیر می‌تواند از عوامل ادبی و نحوی انفصال یک گفتار از گفتار پیشین یا پسین باشد. علاوه بر انفصال ادبی، گسست محتوایی نیز مشهود است؛ گفتار پیشین متعرض عوامل کثرت مال برخی شده بود که آن را تکریم الهی می‌دانستند، درحالی‌که این گفتار به عاقبت اخروی همان افراد می‌پردازد که در اثر همان عوامل ازدیاد مال؛ یعنی، عدم رعایت حقوق مالی ایتام، عدم اطعام مساکین و غصب اموال دیگران به آن گرفتار شده‌اند؛ بنابراین ثروت انبوه این افراد نه تنها تکریم الهی نیست؛ بلکه عامل عذاب ایشان است.

۴-۱-۷. سیاق هفتم: ۲۷-۳۰

یا أَيُّهَا النَّفْسُ الْمُطْمَئِنَّةُ (۲۷) ارْجِعِي إِلَىٰ رَبِّكِ رَاضِيَةً مَّرْضِيَّةً (۲۸) فَادْخُلِي فِي عِبَادِي (۲۹) وَادْخُلِي جَنَّتِي (۳۰)
در آغاز سه آیه از این گفتار، فعل امر با صیغه مفرد مؤنث به کار رفته که دو فعل آن (ادخلی) است. پیش‌تر آمد که بر اساس الگوی خامه‌گر تکرارهای اسلوبی از عوامل پیوستگی لفظی است. همچنین در ابتدای دو آیه حروف عاطفه «فاء» و «واو» به کار رفته است؛ بنابراین سه آیه از چهار آیه با یکدیگر اتصال لفظی دارد. آیه نخست نیز که متضمن حرف ندا و مناداست با آیات پس از خود ارتباطی از جنس ساختارهای نحوی دارد که بر اساس الگوی خامه‌گر اگر یکی از آن‌ها در یک آیه قرار گیرد و دیگری در آیه بعد باشد، موجب پیوستگی آیات می‌شود (ر.ک: خامه‌گر، ۱۳۹۷ ش: ۱۱۲).

پیوستگی محتوایی آن نیز از نوع ارتباط طولی است؛ زیرا در مقام توصیف پاداش «نفس مطمئنه» است. توصیف پاداش از انواع ارتباط طولی میان آیات است (همان: ۱۱۳).

انفصال لفظی و محتوایی این دسته آیات از گفتار پیشین بسیار بدیهی است؛ زیرا اولاً، آیات این گفتار با حرف ندا و تغییر از فعل غایب به فعل امر آغاز می‌شود و همین تغییر اسلوبی عاملی برای گسست ادبی این آیات از آیات پیشین است. ثانیاً، این گفتار از لحاظ محتوایی سیاقی در تقابل با سیاق گفتار قبل دارد؛ زیرا خطاب به «نفس مطمئنه» او را نفسی معرفی می‌کند که در جوار الهی سکونت دارد و به آنچه خدا برایش راضی شده است، رضایت دارد. او خودش را مالک هیچ خیر و شرّ و سود و زیانی نمی‌داند و دنیا را سرای خیالی و غیرحقیقی می‌داند که هر آنچه از فقر و غنا و سود و زیان به او روی می‌آورد، آن را امتحان و ابتلای الهی می‌شمارد. به همین دلیل کثرت مال و ازدیاد نعمت‌ها او را به طغیان و سرکشی و فساد نمی‌کشاند. همچنان‌که فقر و فقدان نعمت او را به سمت کفر و شرک سوق نمی‌دهد (طباطبایی، بی‌تا: ۲۸۵/۲۰)؛ بنابراین محتوای آن کاملاً متضاد با گفتار پیشین است.

۲-۴. مرحله دوم: عنوان‌گذاری سیاق‌های سوره

پس از تقسیم‌بندی آیات یک سوره و تحدید دامنه یک سیاق/گفتار و همچنین کشف ارتباط میان آیات، نوبت به عنوان‌گذاری سیاق‌های سوره می‌رسد. نظر به این‌که آیات یک گفتار با یکدیگر وحدت لفظی و معنایی دارد، بنابراین به آسانی می‌توان برای هر یک از گفتارها عنوانی را مشخص کرد که بازتاب جهت‌گیری لفظی و معنوی آن گفتار باشد.

بر اساس قواعد الگوی خامه‌گر، عنوان‌گذاری گفتارها از رهگذر کشف مطلب کانونی گفتار حاصل می‌شود؛ اما همان‌طور که پیش‌تر آمد ارتباط برخی آیات یک گفتار طولی و ارتباط برخی دیگر عرضی است. در گفتارهای طولی که ساختار آن متشکل از آیات اصلی و فرعی است، برای کشف مطلب کانونی گفتار و انتخاب عنوان مناسب، می‌بایست به محتوای آیه‌ای که اصل است توجه شود. این در حالی است که در گفتارهای عرضی که ساختارهای نحوی و معنایی آن همه در یک درجه از اهمیت باشد و هر یک از آن‌ها بخشی از یک مفهوم کلی را پوشش دهد، تنها راه دستیابی به غرض گفتار جمع‌بندی محتوای همه آیات یا در نظر گرفتن قدر مشترک میان آیات است؛ زیرا همه آیات آن گفتار استقلال موضوعی دارد (ر.ک: خامه‌گر، ۱۳۹۷ ش: ۱۱۶-۱۱۷). پیش‌تر ارتباط طولی یا عرضی آیات سیاق‌های سوره فجر تشخیص داده شد؛ بنابراین تنها کافی است که آیه اصلی گفتار را کشف یا محتوای آیات یک گفتار را با یکدیگر جمع کرد.

۱-۲-۴. گفتار اول

ارتباط آیات این گفتار که شامل آیات ۱-۵ سوره فجر است، از نوع ارتباط طولی است و مطلب اصلی آن توجه دادن افراد صاحب خرد به سوگندهای چهارگانه خداوند است؛ زیرا بلافاصله پس از سوگند به سپیده صبح، شب‌های ده‌گانه، عدد زوج و فرد و وارد شدن شب، در یک استفهام تقریری توجه افراد اهل تعقل و تدبّر را به شگفتی‌های آفرینش جلب می‌کند تا توحید و یگانگی خدا را اثبات کند؛ بنابراین عنوان مناسب برای این گفتار «بیدار کردن عقول صاحبان خرد از طریق دعوت ایشان به تعقل در شگفتی‌های نظام‌مند آفرینش به منظور اثبات وجود خالق و ناظم قادر» است.

۲-۲-۴. گفتار دوم

گفتار دوم به شوکت و قدرت اقوام عصیانگر پیشین اشاره می‌کند و از آنجا که این اقوام همگی در عرض یکدیگر و در یک درجه از اهمیت هستند، ارتباط این گفتار از نوع ارتباط عرضی است؛ بنابراین می‌بایست محتوای مشترک میان آن‌ها را به دست آورد تا عنوان مناسبی برای آن تعیین کرد. به نظر می‌رسد قدر مشترک میان سه قوم یادشده «قدرت و شوکت ظاهری اقوام کافر و عصیانگر» باشد و این قدر مشترک عنوان مناسب برای گفتار دوم است.

۴-۲-۳. گفتار سوم

گفتار سوم ضمن اشاره به عذاب اقوام پیش‌گفته، آن عذاب را در پایان گفتار و در قالب آیه‌ای که به مترصد بودن خداوند اشاره دارد، تعلیل می‌کند؛ یعنی، عذاب این اقوام عاصی و طاغی نتیجه اعمالی است که خداوند همیشه مراقب و ناظر آن است؛ بنابراین همیشه در کمین ایشان است و لحظه‌ای از آنان غافل نیست. به این ترتیب ارتباط آیات از نوع ارتباط طولی و مطلب کانونی، محتوای آیه واپسین است که به نظارت و مراقبت خداوند اشاره دارد. با این تفصیل عنوان مناسب برای گفتار سوم عبارت است از: «پروردگار در کمین ظالمان».

۴-۲-۴. گفتار چهارم

آیات ۱۵-۱۶ سوره فجر دو رویکرد متضاد از انسان را نسبت به پروردگارش مطرح می‌کند؛ این که اعطای نعمت را از سوی خداوند بر تکریم الهی حمل و ستاندن آن را نوعی اهانت قلمداد می‌کند؛ بنابراین نوع ارتباط میان این دو آیه عرضی است و مطلب کانونی گفتار از جمع محتوای دو آیه یا یافتن قدر مشترک میان آن‌ها به دست می‌آید. به نظر می‌رسد آنچه میان این دو آیه مشترک است، آزمایش و ابتلای الهی است که گاهی به اعطای نعمت از سوی خدا تعلق می‌گیرد و گاهی به دریغ کردن نعمت یا ستاندن آن؛ اما واکنش انسان به این آزمون‌ها متفاوت است؛ بنابراین مناسب‌ترین عنوان برای گفتار چهارم «ابتلای انسان (توسط خداوند) به طرق مختلف» است.

۴-۲-۵. گفتار پنجم

رابطه میان آیات گفتار پنجم که در مقام تعلیل افزایش ثروت برخی انسان‌هاست، از نوع ارتباط عرضی است؛ زیرا به عواملی اشاره دارد که همگی هم‌شان یکدیگر و از اهمیت یکسانی برخوردار است. عواملی چون اکرام نکردن یتیم با غضب سهم ارثش، اطعام نکردن مسکین، خوردن مال غیر و مال دوستی افراطی. به نظر می‌رسد

آنچه میان این عوامل مشترک است، «ثروت اندوزی افراطی از طریق غیر مشروع» است. قدر مشترک یادشده می تواند عنوان مناسبی برای گفتار پنجم باشد.

۴-۲-۶. گفتار ششم

در گفتار ششم که به توصیف صحنه های اخروی و کيفر گروهی اختصاص دارد که اصلی ترین شاخصه آنان حب مال است، ارتباط میان آیات طولی است و گفتار مستقلى را تشکیل می دهد؛ بنابراین باید در جستجوی آیه ای بود که متضمن محتوای اصلی گفتار است. به نظر می رسد مطلب کانونی این گفتار آنجایی است که انسان ظالم پس از ورود به صحنه قیامت و مواجهه با حقایق عالم از کرده خویش پشیمان می شود و آرزو می کند که ای کاش زاد و توشه ای برای خود فراهم می کرد؛ اما پشیمانی دیگر سودی ندارد. شاید مناسب ترین عنوان برای گفتار ششم این باشد: «ظالم در گرو ظلم خویش».

۴-۲-۷. گفتار هفتم

این گفتار عکس گفتار پیشین در مقام توصیف نعمت های بهشتی «نفس مطمئنه» و آیات آن در طول یکدیگر است. به نظر می رسد واپسین آیه گفتار متضمن مطلب کانونی و اساسی گفتار حاضر باشد؛ زیرا عاقبت و مآل «نفس مطمئنه» را که همان بهشت است، معرفی می کند. «بهشت، عاقبت و پاداش نفس مطمئنه»، عنوان مناسبی برای گفتار هفتم است.

۴-۳. مرحله سوم: ترکیب گفتارها و تشکیل فصل و بخش

سومین مرحله به منظور دستیابی به غرض اصلی سوره و نمایش انسجام آن، کشف چگونگی ارتباط گفتارهای سوره با یکدیگر است. معمولاً دو گونه ارتباط میان گفتارهای یک سوره متصور است؛ اول آنکه گفتارهای یک سوره در عرض یکدیگر باشد و همگی به غرض اصلی سوره مرتبط شود. دوم آنکه میان گفتارهای یک سوره رابطه موضوعی برقرار باشد، به گونه ای که بتوان چند گفتار را ذیل یک مجموعه بزرگ تر به نام فصل جای داد. البته در سوره های طولانی تر می توان از ترکیب چند فصل به واحد بزرگ تری به نام بخش رسید (ر.ک: خامه گر، ۱۳۹۷ ش: ۱۱۸).

سوره فجر با طول ۳۰ آیه سوره به نسبت کوتاهی است؛ بنابراین به نظر نمی رسد دارای فصول زیادی باشد. گفتار اول این سوره که محتوای آن دعوت صاحبان خرد و اندیشه به تدبیر شگفتی های خلقت به عنوان حقانیت خداوند و یگانگی و قدرت اوست، گفتاری مستقل می نماید که قابل جمع با گفتارهای دیگر نیست؛ بنابراین شاید بتوان نظر به اهمیت محتوایی، آن را یک فصل مستقل معرفی کرد. این در حالی است که گفتارهای دوم،

سوم، چهارم، پنجم و ششم ارتباط موضوعی با یکدیگر دارد و می‌توان از ترکیب آن‌ها یک فصل تشکیل داد؛ زیرا همگی در توصیف انسانی است که در مقابل پروردگار خویش طغیان و در فساد و مال‌اندوزی به روش غیرمشروع زیاده‌روی کرده؛ اما در عین حال خودش را انسانی می‌داند که مورد تکریم خداوند است. این پندار باطل دیری نمی‌پاید که در روز قیامت در اثر مواجهه با حقیقت امر، به واقع‌بینی و البته حسرت بدل می‌شود؛ اما پشیمانی و حسرت در اثر آگاهی اجباری سودی ندارد؛ نه تنها در روز قیامت؛ بلکه در این دنیا نیز گرفتار عذاب الهی است و همانند قوم عاد، ثمود و فرعون با آن‌همه عظمت به سقوط و هلاکت واصل می‌شود. گفتار هفتم نیز فصل مستقلی به نظر می‌رسد؛ زیرا محتوای آن در عرض مفاهیم گفتارهای پیشین است و در تقابل با آنان در مقام بشارت به انسانی است که قلبش در مقابل وعده‌های پروردگار مطمئن بوده و در بزنگاه‌های حساس از مسیر حق و عدالت منحرف نشده است؛ بنابراین سوره از سه فصل تشکیل شده است.

۵. شناسایی غرض سوره

مطابق الگوی خامه‌گر به منظور کشف غرض سوره باید هفت مرحله ذیل را طی کرد:

۱-۵. جمع‌بندی عناوین گفتارهای سوره

چنانچه رابطه میان گفتارها طولی باشد؛ یعنی، یکی اصل باشد و دیگری فرع بر آن، در عنوان‌بندی سوره باید به گفتار اصلی توجه کرد؛ اما اگر گفتارها در عرض یکدیگر باشند، یا باید قدر مشترک میان آن‌ها را به دست آورد یا اینکه باید عناوین را با یکدیگر ترکیب کرد (ر.ک: خامه‌گر، ۱۳۹۷ ش: ۱۲۶-۱۲۷). پیش‌تر آمد که گفتار نخست سوره فجر مستقل و قابل ترکیب با گفتارهای دیگر نیست؛ زیرا هم ساخت نحوی و هم ساخت محتوایی آن با گفتارهای دیگر تفاوت دارد؛ اما رابطه میان گفتارهای دوم، سوم، چهارم، پنجم و ششم از نوع ارتباط طولی است؛ بنابراین باید به گفتار اصلی توجه کرد. به نظر می‌رسد گفتار اصلی گفتار ششم باشد که به عاقبت و سرانجام طاغیان و ظالمان اشاره دارد و تأکید می‌کند عذاب الهی در کمین ایشان و قطعی است. به تعبیری هر ظالمی در گرو ظلم خویش است. رابطه گفتار هفتم نیز با گفتارها یا همان فصول دیگر رابطه عرضی است. پس در اینجا سه فصل با سه عنوان متفاوت قابل بررسی است: فصل اول: دعوت صاحبان خرد به تعقل در پدیده‌های آفرینش و نظم حاکم بر آن‌ها به منظور اثبات توحید الهی در همه ساحات آن، فصل دوم: عذاب

۱. توجه به این نکته ضروری است که در برخی تفاسیر روایی نقل شده که منظور از «فجر» حضرت قائم (عج)، منظور از «لیال عشر» ائمه ده‌گانه از امام حسن (ع) تا امام حسن عسکری (ع)، منظور از «شفع» امیرالمؤمنین و فاطمه (س) و منظور از «وتر» خدای یگانه است (بحرانی، ۱۴۱۶ ق: ۶۵۰/۵) که در این صورت نیز میان گفتار اول با گفتارهای بعد تقابلی محتوایی وجود دارد؛ زیرا انسان‌های نیک‌کردار در مقابل انسان‌های زشت‌کردار قرار می‌گیرند.

ظالمان قطعی و شدید است، فصل سوم: بهشت پاداش و فرجام نفس مطمئنه است. حال که رابطه میان این فصول عرضی است باید میان آنها را جمع کرد یا مفهوم مشترکی میان آنها یافت. ظاهراً قدر مشترکی میان این سه عنوان وجود ندارد، بنابراین برای رسیدن به عنوان اصلی سوره باید آنها را ترکیب و با یکدیگر جمع کرد. می‌توان گفت «ایمان به یگانگی خدا در خالقیت و ربوبیت نتیجه تعقل و خردورزی در پدیده‌های آفرینش و ضامن رهایی از عذاب شدید و قطعی الهی و خلود در بهشت است».

۲-۵. بررسی مشترکات گفتارهای سوره

منظور از عناصر مشترک میان گفتارها، تکرارهای لفظی و معنایی در لابه‌لای آیات گفتارهاست. بررسی عناصر مشترک کمک می‌کند تا غرض کشف‌شده با جهت‌گیری مشترک گفتارها هماهنگ و منطبق شود (همان: ۱۲۸). با بررسی‌های انجام‌شده مشخص شد واژه «رب» در پنج گفتار از هفت گفتار سوره فجر تکرار شده که البته در گفتار سوم دو مرتبه به کار رفته است. «رب» در اصل به معنای تربیت است (راغب، ۱۳۶۲ ش: ۳۳۶) و آن به معنای کشاندن چیزی به سوی کمال و رفع نواقص با خالی شدن از رذایل و آراستگی به فضایل است که می‌تواند از جهات مختلف و متعددی باشد، مثل ذات، عوارض، اعتقادات، معارف، صفات، اخلاقیات، اعمال و علوم رایج. مفاهیمی چون مالکیت، مصاحبت، سیادت، تعلیم، رفع حاجت، ملازمت، قیمومت، تغذیه و مشابه آن همگی از لوازم و آثار مفهوم اصلی است (مصطفوی، ۱۳۲۰ ش: ۲۲/۴-۲۳). این واژه مصدری است که در معنای اسم فاعل استفاده می‌شود و اگر به صورت مطلق به کار رود تنها به خداوند اختصاص دارد که عهده‌دار اصلاح موجودات است (راغب، ۱۳۶۲ ش: ۳۳۶). تکرار این مفهوم در گفتارهای متعدد سوره که به ربوبیت خداوند و تدبیر امور موجودات توسط او اشاره دارد، می‌تواند غرض اصلی سوره را رهنمون شود یا حداقل در جهت توسعه و تأکید آن باشد؛ زیرا در عنوان اصلی سوره که ترجمان غرض اصلی است به توحید ربوبی خداوند از طریق اندیشیدن در نظام آفرینش توجه داده و عامل رهایی از عذاب و تنعم به نعمت‌های الهی معرفی شده است.

۳-۵. بررسی عناصر درون‌متنی سوره

بر اساس الگوی خامه‌گر، مهم‌ترین عناصر درون‌متنی که با غرض اصلی سوره هماهنگی دارد، عبارت است از: آیات آغازین و پایانی سوره، سوگندهای سوره، اسماء‌الحسنی در سوره و جهت اصلی محتوای داستان‌های سوره (ر.ک: خامه‌گر، ۱۳۹۷ ش: ۱۲۸). آیات آغازین سوره فجر که گفتار ابتدایی این سوره را تشکیل می‌دهد، مشتمل بر سوگندهایی به شگفتی‌های آفرینش و توجه دادن انسان‌های صاحب بصیرت و خرد به این

پدیده‌هاست. گفتار پایانی نیز به عاقبت نفس مطمئنه و خلود او در بهشت در زمره بندگان الهی اشاره دارد. به نظر می‌رسد میان آیات آغازین و آیات پایانی رابطه علی برقرار باشد؛ یعنی، خردورزی و تدبّر در مظاهر صنع الهی علت اطمینان نفس و سعادت جاودانه است. در رابطه با سوگندهای سوره نیز پیش‌تر گفته شد که غرض اصلی آن اثبات یگانگی خداوند برای کسانی است که چشم بینا دارند و پدیده‌های جهان را با نگاه توحیدی می‌نگرند. همچنین آغاز سوره با واژه «فجر» که نمادی از روشنی و سرآغازی جدید است، با انتهای سوره که سرآغازی نو و روشن از نفس مطمئنه را روایت می‌کند، در تناسب است.

از میان اسماء‌الحسنی الهی تنها اسم «رب» با شش بسامد تکرار شده که آمار به نسبت بالایی است و قطعاً این تکرار معنادار با غرض اصلی سوره هماهنگی دارد. گرچه در این سوره داستانی روایت نشده، به قوم عاد و قوم ثمود از اقوام هلاک‌شده پیشین و نیز فرعون اشاره شده که در سه خصوصیت با یکدیگر اشتراک دارند؛ تمکّن و قدرت مادی، طغیان و عقاید الحادی و هلاکت و گرفتاری به عذاب الهی. این خصوصیات مشترک و البته عاقبت مشترک میان آنان غرض اصلی سوره را بهتر و بیشتر از پیش نمودار می‌کند.

۴-۵. بررسی عناصر برون‌متنی سوره

طبق الگوی خامه‌گر عناصر برون‌متنی سوره شامل نام سوره، فضایل سوره و فضای نزول است که البته فضای نزول اثرگذارتر است (همان: ۱۳۰). نام سوره از آیه نخست آن (وَ الْفَجْرِ) اقتباس شده که به معنای شکافته شدن عمود صبح است و بر زمانی دلالت دارد که خداوند صبح را در افق مشرق نمودار می‌کند و به رفتن تاریکی شب و آمدن روز بشارت می‌دهد (طبرسی، ۱۳۷۲ ش: ۷۳۴/۱۰). صبح و روشنی آن یکی از پدیده‌های چهارگانه‌ای است که خداوند در این سوره به آن سوگند یاد کرده است؛ بنابراین می‌بایست پدیده‌ای قابل توجه و اثرگذار باشد. در تفاسیر روایی و کهن، نقلی مبنی بر اینکه این سوره به اسامی دیگری نیز تسمیه شده، یافت نشد. به نظر می‌رسد تنها نام آن «فجر» است. در فضایل این سوره آمده است که هر کس این سوره را در شب‌های ده‌گانه ماه ذی‌حجه بخواند، آمرزیده می‌شود و اگر آن را در سایر ایام بخواند، برای او در روز قیامت نوری خواهد بود (ثعلبی نیشابوری، ۱۴۲۲ ق: ۱۹۰/۱۰). «لیال عشر» یا همان شب‌های ده‌گانه از جمله پدیده‌هایی است که خداوند در ابتدای سوره به آن سوگند یاد کرده و اهمیت آن در کشف غرض اصلی سوره از نظر گذشت. همچنین توصیه شده که این سوره را در نمازهای واجب و مستحب بخوانید؛ زیرا این سوره، سوره حسین (ع) است و هر کس آن را بخواند در روز قیامت با حسین (ع) در بهشت هم‌درجه خواهد بود (عروسی حویزی، ۱۴۱۵ ق: ۵۷۱/۵؛ بحرانی، ۱۴۱۶ ق: ۶۵۰/۵). بر اساس روایات تفسیری منظور از «نفس

مطمئنانه» در پایان سوره همان حسین (ع) است (قمی، ۱۳۶۳ ش: ۴۲۲/۲؛ بحرانی، ۱۴۱۶ ق: ۶۵۷/۵) که جایگاه آن در غرض اصلی سوره کاملاً آشکار است. این سوره بنا به تصریح روایات تفسیری در مگه نازل شده (از جمله ر.ک: قمی، ۱۳۶۳ ش: ۴۱۹/۲؛ ابن کثیر، ۱۴۱۹ ق: ۳۸۰/۸؛ سیوطی، ۱۴۰۴ ق: ۳۴۴/۶)؛ ولی شأن نزولی برای آن ذکر نشده است. اساساً محتوای غالب در سوره‌های مکی با توجه به مخاطب مشرک و کافر مکه، دعوت به توحید، نهی از شرک و توصیف فرجام آن و همچنین روایت داستان اقوام گذشته است که همه این عناصر محتوایی در سوره فجر مشاهده می‌شود و در غرض اصلی آن نمود می‌یابد. البته به نظر می‌رسد قساوت اقتصادی اهل مکه نیز در نزول سوره بی‌تأثیر نبوده است.

۵-۵. بررسی نسبت آماری تکرار واژه‌های سوره با کل قرآن

پیش‌تر آمد که واژه «رب» در این سوره بسامد به نسبت بالایی دارد؛ اما نسبت به مجموع تکرار این واژه در کل قرآن کریم، از فراوانی تکرار برخوردار نیست؛ زیرا این واژه بیش از دویست مرتبه در کل قرآن کریم تکرار شده است (کمتر از ۳ درصد از مجموع تکرارها در سوره فجر به کار رفته است). البته در این سوره کاربرد واژگان تکامد^۱ مشاهده می‌شود. مثل واژه «جمًا» که به معنای کثیر و شدید است (ابن منظور، ۱۴۱۳ ق: ۱۰۴/۱۲). این واژه الهام‌بخش افراط است؛ افراط در مال‌دوستی یا هر چیز دیگری که در نهایت انسان را به کفر و طغیان می‌کشاند و نتیجه‌ای جز عذاب جاودانه ندارد؛ بنابراین کاربرد این واژه در قرآن و در سوره فجر به نوعی از اهمیت و موقعیت حساس و اثرگذار این واژه حکایت می‌کند که پیوندی عمیق با غرض اصلی سوره دارد؛ زیرا در عنوان سوره فجر به عذاب شدید الهی اشاره شده که نتیجه افراط و زیاده‌روی است. همچنین واژه «شفع» و «وتر» که تنها یک مرتبه در کل قرآن تکرار شده است. البته واژگان هم‌اشتقاق این دو واژه سابقه تکرار دارد؛ اما عین واژه جز در سوره فجر در هیچ موضعی از قرآن به کار نرفته است. به نقل از ابن عباس و گروه زیادی از علما واژه «شفع» به معنای مخلوقات است که هم‌شکل و مانند دارند؛ اما «وتر» به معنای خالق است که مانند او وجود ندارد (طوسی، بی‌تا: ۳۴۱/۱۰). در لغت نیز اصل «شفع» به معنای تقارن و پیوستگی دو چیز به یکدیگر است که خلاف «وتر» (ابن فارس، ۱۴۲۰ ق: ۲۰۱/۳) به معنای هر چیز واحد و یگانه است (فراهیدی، ۱۴۱۰ ق: ۱۳۲/۸). این دو از نمودهایی بودند که خداوند به آن قسم یاد کرده و مخاطب اهل تعقل را به تدبّر در

۱. این واژه به کلمه‌ای اطلاق می‌شود که تنها یک بار در سراسر یک متن به کار رفته و هیچ مشتق یا هم‌خانواده‌ای از آن در سراسر متن قرآن نباشد (کریمی‌نیا، ۱۳۹۳ ش: ۲۴۷).

آن دعوت کرده است. این واژگان جایگاه و اهمیت ویژه‌ای در پیشبرد غرض اصلی سوره دارد؛ زیرا نتیجه تدبیر و اندیشیدن در آن معرفت به توحید خداوند و ورود به خیل بندگان اوست.

۵-۶. بررسی تعداد آیات مربوط به یک موضوع در سوره

از دیدگاه خامه‌گر کمیّت موضوعات مطرح شده در یک سوره نشان از اهتمام خداوند به آن موضوع است؛ بنابراین اگر آیات مربوط به یک موضوع در سوره نسبت به موضوع‌های دیگر آن سوره از بسامد بالاتری برخوردار باشد، بدین معناست که آن موضوع مورد توجه ویژه خداوند در نزول آن سوره بوده که قطعاً توجه به آن راهنمایی بر نیل به غرض اصلی سوره است (ر.ک: خامه‌گر، ۱۳۹۷ ش: ۱۳۱). در سوره فجر موضوعی که بیشترین آیات را در مقایسه با موضوع‌های دیگر به خود اختصاص داده، یادکرد اقوام سرکش و طغیانگر پیشین و عاقبت ایشان است. گفتار دوم و سوم سوره فجر به این موضوع اختصاص دارد که مجموعاً نه آیه را شامل می‌شود. این تعداد در مقایسه با مجموع آیات سوره فجر که ۳۰ آیه است، درصد به نسبت بالایی را تشکیل می‌دهد (حدود ۳۰ درصد)؛ بنابراین سرکشی و عصیان در مقابل حق و دچار شدن به عذاب دنیوی و اخروی موضوعی است که با غرض اصلی سوره پیوند می‌یابد.

۵-۷. دفاع از غرض کشف شده

ابتدا به غرض سوره از نگاه مفسران ساختارگرا پرداخته می‌شود تا مشخص شود آنچه در این پژوهش به دست آمده با نگاه ایشان چقدر تفاوت دارد و در صورت متفاوت بودن آیا غرض کشف شده قابل دفاع است یا خیر؟
علاّمه سوره فجر را در مقام نکوهش تعلق به دنیا می‌داند که نتیجه آن طغیان و کفر و بازگشت به شدیدترین عذاب در دنیا و آخرت است (طباطبایی، بی تا: ۲۰/۲۷۸). در کلام سید قطب این سوره به طور کلی قلب انسان را به ایمان، تقوا، هوشیاری و تفکر فرامی‌خواند (سید قطب، ۱۴۱۲ ق: ۶/۳۹۰). از دیدگاه حوی سیاق و محور اصلی سوره تربیت افراد بر اساس تقوا و حذر دادن ایشان از آن چیزی است که با تقوا در تنافی است. به همین دلیل از نظرگاه ایشان این سوره با ابتدای سوره بقره که در مقام توصیف متقین، کافران و منافقان است، پیوند پیدا می‌کند؛ زیرا در خلال توصیف خلقیات کفار، مخاطب را به خلقیات متقین دعوت می‌کند (حوی، ۱۴۲۴ ق: ۱۱/۶۵). خامه‌گر نیز غرض سوره فجر این گونه معرفی می‌کند: نعمت‌های مادی، همیشه نشانه لطف ویژه خدا به انسان‌ها نیست (خامه‌گر، ۱۳۹۷: ۱۳۸).

آنچه در کلام مفسران مشترک است رسالت انذاردهندگی سوره و دعوت به تقوا از خلال آیات آن است؛ اما آنچه از نظر ایشان مغفول مانده جایگاه ویژه سوگندهای ابتدایی سوره است؛ زیرا سوره با سوگند آغاز می‌شود

و فواتح هر سوره رابطه عمیقی با غرض اصلی سوره دارد؛ بنابراین نمی‌توان از آن غفلت کرد و جایگاه ویژه آن را در کشف غرض سوره نادیده گرفت. آغاز هر سوره بسان تابلویی عمل می‌کند که معرف آن سوره است و مخاطب را برای دریافت محتوای کلی آن آماده و ترغیب می‌کند. به این صنعت ادبی «براعت استهلال» می‌گویند؛ یعنی، ابتدای کلام مشتمل بر جزئی است که متناسب با حال مخاطب است و به سیاق کلام و مقصود آن اشاره دارد (سیوطی، ۱۳۶۷ ش: ۱/۳۶۳). در سوره فجر نیز سوگندهای آغازین نقش بسزایی در کشف پیام اصلی آن دارد؛ زیرا مخاطب را به تعقل در پدیده‌های آفرینش و صنع الهی دعوت می‌کند تا در خلال تدبّر در آن، به وجود خالق، ناظم و تدبیرگر جهان پی ببرد. آنچه از این تدبّر حاصل می‌شود عبودیت در مقابل خالق است که ناظم و مدبّر جهان و انسان است. عبودیتی که انسان را از طغیان و سرکشی در مقابل پروردگار بازمی‌دارد و در نهایت او را در خیل بندگان شایسته خداوند که جایگاهشان بهشت برین و جوار الهی است، داخل می‌کند؛ بنابراین آنچه سبب شد اقوام گذشته دچار هلاکت و عذاب شوند، عدم تعقل در آثار آفرینش و عدم انقیاد و تسلیم در مقابل خالق و ربّ بود. همچنین آنچه سبب می‌شود برخی انسان‌ها اعطای نعمت و سلب نعمت از سوی خداوند را نوعی اکرام و اهانت تلقی کنند، نداشتن معرفت نسبت به مقام ربوبیت و مالکیت الهی است که به منظور ابتلای بندگانش گاهی نعمتی را در اختیار ایشان می‌گذارد و گاهی آنان را محروم می‌کند. قطعاً تکرار واژه «ربّ» در این سوره تأکیدی بر این موضوع است.

بنابراین غرض اصلی سوره همان عنوان اصلی آن است که از جمع عناوین گفتارها به دست آمد (دعوت صاحبان عقول به تدبّر در پدیده‌های شگفت‌انگیز طبیعت به منظور اثبات توحید خدای یگانه در خالقیت و ربوبیت که ثمره آن حیات سعادت‌مندانه در دنیا و آخرت و نجات از عذاب الهی است) و موضوعات مطرح‌شده در سوره مانند سوگندهای آغازین سوره، سرگذشت اقوام طاغی و سرکش پیشین و عاقبت ایشان، مواجهه دوگانه افراد با آزمایش الهی، ثروت‌اندوزی افراطی برخی انسان‌ها از طریق حق‌کشی و عاقبت سعادت‌مندانه نفس مطمئنه همگی در مقام توسعه و پیشبرد غرض اصلی است؛ زیرا سوگند خداوند به شگفتی‌های آفرینش، عقول صاحبان اندیشه را بیدار می‌سازد تا از تدبّر در نظم حاکم بر جهان هستی به وجود خالق ناظم و قادر پی‌برند و روایت سرگذشت اقوام قدرتمند پیشین که به دلیل سرکشی و کفر سقوط کردند، مخاطب خردمند قرآن را از مشابهت با ایشان برحذر می‌دارد و درمی‌یابد که خداوند گاهی انسان‌ها را با مکت و قدرت می‌آزماید و گاهی با سخت‌گیری در روزی و آنچه اهمیت دارد مواجهه خالصانه انسان با ابتلای الهی همراه با بینش توحیدی است؛ بنابراین اگر افرادی از مکت و عظمت مالی برخوردارند لزوماً عنایت خداوند و تکریم ایشان نیست؛

بلکه امتحانی است برای راستی‌آزمایی ایشان و چه بسیار انسان‌هایی که قدرت مالی خود را از مسیر باطل و پایمالی حقوق دیگران به دست آورده‌اند و همین قدرت مالی در نهایت مایه عذاب ایشان است. همچنین با اشاره به عاقبت نفس مطمئنه در تقابل با گروه پیشین این اطمینان برای مخاطب خردمند حاصل می‌شود که گذار به سعادت جاودانه و حذر از شقاوت ابدی در گرو اطمینان به وعده‌های الهی و انقیاد در مقابل فرامین اوست.

بحث و نتیجه‌گیری

۱- نظر به عوامل لفظی و محتوایی، سوره فجر از هفت گفتار تشکیل شده است که هر کدام موضوع و سیاق مستقلی را به خود اختصاص داده است. گفتار اول آیات ۱-۵، گفتار دوم آیات ۶-۱۰، گفتار سوم آیات ۱۱-۱۴، گفتار چهارم آیات ۱۵-۱۶، گفتار پنجم آیات ۱۷-۲۰، گفتار ششم آیات ۲۱-۲۶ و گفتار هفتم آیات ۲۷-۳۰ از سوره فجر را تشکیل می‌دهد. گفتارهای یادشده به وسیله عوامل انفصال و گسست لفظی و محتوایی از یکدیگر تمایز پیدا می‌کند.

۲- در عین گسست و انفصال گفتارها، میان آن‌ها مشترکاتی نیز وجود دارد که از جمع آن‌ها فصول تشکیل می‌شود. سوره فجر از سه فصل تشکیل شده که فصل اول (گفتار اول) و سوم (گفتار هفتم) مستقل و متمایز می‌نماید؛ بنابراین مشتمل بر گفتارهای دیگر نیست؛ اما فصل دوم از گفتارهای دوم، سوم، چهارم، پنجم و ششم امتزاج یافته؛ زیرا هر پنج گفتار در مقام شرح افراد طاغی و عاصی و مآل ایشان است.

۳- از جمع عناوین گفتارها، عنوان کامل و نهایی سوره به دست آمد که همان غرض اصلی سوره به نظر می‌رسد و از طریق بررسی عناصر دیگر قابل تأکید و دفاع است: «دعوت به تعقل در نمودهای آفرینش و صنع الهی، انسان صاحب خرد و بصیرت را به وجود خالقِ ناظمِ مدبرِ رهنمون می‌سازد و او را از عذاب دنیا و آخرت می‌رهاند و در شمار بندگان مقرب الهی وارد می‌کند که بهشت جاودانه جایگاهشان است».

۴- بنابراین سوره فجر غرضی واحد دارد که اغراض فرعی حول محور آن غرض واحد می‌چرخد و نقش بسزایی در برجسته شدن آن دارد. نام سوره، فضیلت تلاوت آن، واژگان پرتکرار، آغاز و پایان سوره و عناصر دیگر نیز مؤید غرض یادشده است.

منابع

قرآن کریم

۱. ابن عاشور، محمد بن طاهر، (بی تا). التحرير و التنوير، بی جا.
۲. ابن فارس، احمد، (۱۴۲۰ ق). مقایس اللغة، بیروت: انتشارات دار الکتب المیمه.
۳. ابن کنیر، اسماعیل بن عمر، (۱۴۱۹ ق). تفسیر القرآن العظیم، بیروت: دارالکتب العلمیه.
۴. ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۳ ق)، لسان العرب، بی جا، چاپ دار احیاء التراث العربی.
۵. اصفهانی، الرّاعب، (۱۳۶۲ ش). مفردات فی الفاظ غریب القرآن، تهران، کتاب فروشی اسلامیّه.
۶. بحرانی، هاشم بن سلیمان، (۱۴۱۶ ق). البرهان فی تفسیر القرآن، تهران: بنیاد بعثت.
۷. ثعلبی نیشابوری، ابواسحاق احمد ابن ابراهیم، (۱۴۲۲ ق). الكشف و البیان عن تفسیر القرآن، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۸. حوی، سعید، (۱۴۲۴ ق). الاساس فی التفسیر، قاهره: دارالسلام.
۹. خامه گر، محمد، (۱۳۹۵ ش). ساختار هندسی سوره های قرآن کریم، تهران: سازمان تبلیغات اسلامی، شرکت چاپ و نشر بین الملل.
۱۰. خامه گر، محمد، (۱۳۹۷ ش). تفسیر ساختاری قرآن کریم، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
۱۱. درویش، محی الدین، (۱۴۱۵ ق). اعراب القرآن و بیانه، سوریه: دارالارشاد.
۱۲. زمخشری، محمود، (۱۴۰۷ ق). الکشاف عن حقائق غوامض التّنزیل، بیروت: دارالکتب العربی.
۱۳. سیّد قطب، ابراهیم، (۱۴۱۲ ق). فی ظلال القرآن، بیروت-قاهره: دارالشرق.
۱۴. سیوطی، عبدالرحمن بن ابی بکر، (۱۴۰۴ ق). الدر المنثور فی تفسیر المأثور، قم: کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی.
۱۵. سیوطی، عبدالرحمن بن ابی بکر، (۱۳۶۷ ش). الاتقان فی علوم القرآن (محمد ابوالفضل ابراهیم، محقق)، منشورات الرّضی-بیدار.
۱۶. طباطبایی، سید محمدحسین، (بی تا). المیزان فی تفسیر القرآن، قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۱۷. طبرسی، فضل بن حسن، (۱۳۷۲ ش). مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تهران: انتشارات ناصر خسرو.
۱۸. طوسی، محمد بن حسن، (بی تا). التبیان فی تفسیر القرآن، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۱۹. عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، (۱۴۱۵ ق). تفسیر نورالثقلین، قم: انتشارات اسماعیلیان.
۲۰. فراهیدی، خلیل بن احمد، (۱۴۱۰ ق). کتاب العین، قم: هجرت.
۲۱. قمی، علی بن ابراهیم، (۱۳۶۳ ش). تفسیر القمی، قم: دارالکتب.

۲۲. کرمی نیا، مرتضی، (۱۳۹۳ ش). «تکامل در قرآن، تحلیلی بر واژه‌ها و ترکیبات تک‌کاربرد در قرآن کریم»، پژوهش‌های قرآن و حدیث، (۴۷) ۲، صص ۲۴۷-۲۸۴.
۲۳. کشاورزی، کمال، مجد فقیهی، محمدعلی، عشایری منفرد، محمد و طیب حسینی، سید محمود. (۱۴۰۲ ش). «تحلیل زیباشناختی هندسی سوره فجر و نقش آن در تفسیر»، قرآن شناخت، ۱۶ (۱)، صص ۲۳-۳۸.
۲۴. مصطفوی، حسن، (۱۳۲۰ ش). التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر تهران.
۲۵. نبی، ساجده، جلالی کندی، سهیلا، نیل ساز، نصرت، (۱۴۰۱ ش). «نقاط اشتراک و افتراق شش الگوی ساختارشناسانه در بررسی انسجام متن قرآن»، پژوهش‌های زبان‌شناختی قرآن، ۱۱ (۱)، صص ۱-۲۰.

